

در سوگ استاد منزوی

«این منم بر سر خاک تو که خاکم بر سر»

■ سید عبدالله انوار

نسخه پژه و فهرست نگار نسخ خطی

پای در جمع و اجتماع گذاشت. با کتاب می‌زیست و آنچه می‌کرد هم خود و هم کتاب - یعنی مشخصه خاندان - را در مسیر کمال می‌راند؛ چنانکه ما مصداق بسیار کامل این امر را در زیست علینقی منزوی به آشکارا می‌بینیم.

مرحوم منزوی در عراق پا به هستی گذاشت به حکم مجاورت با عرب‌ها، زبان عربی را در خردسالی فرا گرفت و آنگاه که به بلوغ رسید زبان علمی عرب را به کمال رسانید و بارها در لغت‌نامه دهخدا دیدم که او با چه اطلاع وسیع و توانایی کاملی، به آسانی رفع مشکل در نظم و نثرهای زبان عرب می‌کرد و چون به موازین فصاحتی و بلاغتی این زبان آگاهی داشت، چه فصیحانه و بلیغانه نکت معانی و بیانی از این آثار ادبی عرب‌ها راز می‌گشود و در لغت‌نامه دهخدا به کرات دیدم که او اشاراتی به نکته بدیعی از این آثار ادبی می‌نمود که حکایت از تبحر و قدرت نکته‌دانی او در رمزهای زبان عرب می‌کرد و شگفت آنکه این طفل زبان در لسان عرب باز نکرد. چنان در اشعار و نثرهای پارسی چیرگی‌ها می‌نمود که اغلب در لغت‌نامه دهخدا، حلال مشکلات برخورد شده در لغت‌نامه دهخدا بود. از آنجا که او در سایه تربیت پدری بالیده شده بود، که بزرگ‌ترین نسخه‌شناس فرهنگ اسلامی بود، چنان در صناعت نسخه‌شناسی صاحب قدرت شد که کمتر کتابی به او عرضه می‌شد و آن کتاب نمی‌توانست مواد کتاب‌شناسی خود را از او فرا گیرد. اما دانش منزوی به اینها ختم نمی‌شد او از شاگردان مبرز فقیه آیت‌الله العظمی حضرت خویی بود و در خدمت این استاد بزرگوار آنچه لازمۀ دوره عالی فقه و اصول شیعه بود فرا گرفت و به قول اهل حوزه در فقه و امور وابسته به آن بر قدرت مجتهد جامع‌الشرايط و الشرايع تکیه زد و آنچه او را از مستند صاحب فتوایی بر کنار داشت کم بودن رساله بود که ورودش در جهان فلسفه و کلام از این رساله‌نویسی مانع آمد. زمانی که منزوی از عراق به ایران آمد از دانشکده الهیات در رشته فلسفه فارغ‌التحصیل شد و همزمان با چنین فراغی، رشته قضایی دانشکده حقوق را به پایان برد و مدرک کارشناسی ارشد را از این دانشکده گرفت. او در ایران به تحقیق هم در فلسفه مشاء و هم در فلسفه متعالیه پرداخت و چون از نبوغی بالایی در کسب دانش برخوردار بود در این رشته



منزوی در خاندانی
پا به عرصه وجود
گذاشت که مشخصه
آن خاندان، کتاب بود.
آن خاندان از برکت
وجود بزرگ‌ترین فقیه
عالم شیعه و بالاترین
کتاب‌شناس فرهنگ
اسلامی آیت‌الله
العظمی حاج آقا بزرگ
تهرانی برخوردار بود

اکنون که ما آشنايان و علاقه‌مندان دکتر علینقی منزوی در این مجلس به سوگِ درگذشت یکی از درخشان‌ترین ذهن‌های این وطن نشستیم هیچ چیزی این حیرانی و سرگستگی ما را جز رساله زیبای مرگ سقراط به قلم افلاطون تصویر نمی‌کند، چه در آن رساله می‌بینیم شاگردان و مریدان سقراط همان می‌دیدند که ما می‌بینیم، آنها می‌دیدند آنکه تاکنون راه می‌نمود امروز دیگر در راه نیست.

منزوی در خاندانی پا به عرصه وجود گذاشت که مشخصه آن خاندان، کتاب بود. آن خاندان از برکت وجود بزرگ‌ترین فقیه عالم شیعه و بالاترین کتاب‌شناس فرهنگ اسلامی آیت‌الله العظمی حاج آقا بزرگ تهرانی برخوردار بود. نمودار و شناسای این خاندان کتاب شد و با چنین مشخصه و نموداری چون طفلی در این خاندان چشم‌گشود، بر کتاب چشم‌گشود و با کتاب بالندگی یافت و به‌وقت،



«دفتر سمت راست از پایین استاد منزوی»

از آنجا که او در
سایه تربیت پدری
بایده شده بود،
که بزرگ‌ترین
نسخه‌شناسی
فرهنگ اسلامی بود،
چنان در صنعت
نسخه‌شناسی صاحب
قدرت شد که کمتر
کتابی به او عرضه
می‌شد و آن کتاب
نمی‌توانست مواد
کتاب‌شناسی خود را
از او فرا گیرد

آورده‌اند. ای کاش این پدر و پسر با بروکلمان، فهرست‌نگار شهیر جهانی، قیاس شوند تا تبجر آنها دیده شود. دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد و به حق اگر زحمات و کوشش این فرزند در تنظیم و تمسیم این گنجینه عظیم و حجیم مملو از نکات دقیق و ظرایف فرهنگ اسلامی و بالخاص شیعه نبود بی‌شبهه این گنجینه در عدمستان ورق‌های خطی می‌ماند و شاهد بازاری نمی‌شد.

همزمان با این فهرست، منزوی کار بس عظیم «رجال شیعی» پدر را تنظیم و تمسیم کرد و به چاپ رساند و گنجینه دیگری در کارهای خاندان منزوی قرار داد که در رشته علم رجال شیعی است. منزوی رساله اجتهاد و فقه شیعی را فرو گذاشت و رساله دکترای فلسفه در یکی از دانشکده‌های معروف لبنان را به جای آن نشانند و در این رساله او از غموضت‌های یکی از بزرگان فلسفه اسلامی، «ابن کمونه»، پرده برگرفت و آن‌که آشنا به کارهای بسیار دقیق و عمیق ابن کمونه‌اند، خوب می‌دانند که متاع او کجایی است. ای کاش طالبان جوان فلسفه به‌این کار رجوع می‌کردند تا می‌دیدند در پس جهان آرام و سکوت منزوی چه دریایی از فضل و دانش در ظرائف فلسفی به تلاطم است.

آنچه گذشت قسمتی از محصول ذهن و کارهای فرهنگی منزوی است و اگر خواسته باشیم که با دریای کارهای او آشنا شویم به قول مولانا یک دهان خواهیم به پهنای فلک تا بگویم شرح حال آن ملک

روحش شاد و نام او تا ابد ثبت در جریده سالکان راه علم ایرانی و فرهنگ اسلامی خواهد ماند.

استدلالی نیز صاحب ید شد؛ بسنده است که در اینجا به تصحیح او در شرح حکمه‌العین دیده بیندازید تا به صاحب ید و قدرتی در جهان کلام و استدلال پی ببرید.

منزوی در کار عرفان نیز صاحب‌نظر بود بهترین گواه بر این قول، تصحیح و تعلیقاتی است که او در نامه‌های صوفی شهید و شهیر ایرانی، عین‌القضات همدانی، کرده و به‌چاپ رسانده است. منزوی در لغت نامه دهخدا مباشر فراهم‌آوردن مواد حرف «ح» و نگارش آن مواد بود. لطفاً مراجعه‌ای به نسخ لغت‌نامه حاوی این حرف بفرمائید تا ببینید او چه مهارتی و تبحری در عالم لغت و واژه داشته است. از آنجا که سیره خاندان منزوی کتاب‌شناسی و فهرست‌نگاری تحلیلی و توصیفی است، او برای چند کتابخانه فهرست‌نگاری کرده که پاره‌ای از آن فهرست‌ها دائره‌المعارفی است. مرحوم منزوی با مرحوم دانش‌پژوه، فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار ناصری را تدوین کرد که برای نخستین بار این کتابخانه بزرگ صاحب فهرست شد و مراجعه‌کنندگان دانستند این کتابخانه دارای چه نسخ گران‌بهرایی است. او اقدام به تهیه چندین جلد از فهرست‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران کرد که به‌واقع هر جلد از آنها برای استطلاع از کتب و نسخ مدونه در آن، خود مرجع ذی‌قیمیتی است. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کار این فهرست‌نگار برجسته تنظیم و چاپ بزرگ‌ترین فهرست کتب شیعی یعنی فهرست «الذریعه فی تصانیف الشیعه» است که باید به مجلدات این فهرست نگاه کرد و دید پدر و پسر چه قدرت‌نمایی‌ها در فهرست‌نگاری کرده‌اند و چه گنجینه‌ای برای عالم شیعه فراهم